

این بود انشای من درباره‌ی انشا

مروری بر تمرین نامه‌نگاری در
کلاس درس توسط آموزگاران

دکتر علی رؤوف

معلم عزیز درس انشا، مانند درس‌های دیگر، «کتاب درسی» ندارد. تنها اوست که می‌خواهد به شاگردانش «نامه نوشتن» را یاد بدهد تا بتوانند به هدف‌ها و شیوه‌ها و یاد گرفتن‌های بهتر و دل‌پذیرتر، برای برقراری ارتباط نوشتاری سالم‌تر، نایل آیند. آن‌ها که مهارت خواندن و نوشتن را یاد گرفته و تمرین کرده‌اند، دوست دارند «نامه» بنویسند. آن‌هایی که نه می‌توانند بخوانند و نه بنویسند، مجبورند به کسانی که می‌توانند بخوانند و بنویسند التماس کنند تا نامه‌ای برای عزیز دورافتاده‌شان بنویسند، یا نامه‌هایی را که دریافت می‌کنند، برایشان بخوانند. این درماندگی، ستم و آزاری است که یگانگی شخصیت آنان را نالاستوار و متزلزل می‌سازد! از زمانی که مهارت‌های نوشتاری آغاز می‌شوند، نامه‌نگاری یکی از زیباترین و موفق‌ترین شیوه‌های برقراری ارتباط با دیگران و افرادی است که غایب هستند و دور از عزیزان خود به سر می‌برند.

انسان

باز و با تمامی عوامل در حال خدمت‌رسانی به دانش‌آموزان باشد. این فرد خیر یا نماینده‌اش، سالی یک یا دوبار به مدرسه می‌آید و براساس فهرستی که مدیر در اختیارش قرار می‌دهد، میزان ساعات اضافی همکاران مدرسه را تمام و کامل و با رقمی بالاتر از نرخ‌های دولتی پرداخت می‌کند. او حتی از مدیر خواسته است، برای حضور همکاران در شوراها و کلاس‌های بازآموزی هم حق‌التدریس در نظر بگیرد و به این ترتیب «مدرسه‌ی آقا»، به تمام معنا، دبیرستانی تمام وقت با کارکنانی تمام وقت است. برخی از این قبیل مدرسه‌ها را در پژوهشی که تمام سال گذشته درگیر انجام آن بودم، مشاهده کردم که البته تعداد قابل توجهی از آن‌ها غیردولتی بودند.

وقتی می‌خواهیم طرح تمام وقت بودن معلمان و کارکنان واحدهای آموزشی را به مثابه یکی از اجزای طرح تحول راهبردی در آموزش و پرورش اجرا کنیم، باید در وهله‌ی اول زمینه‌های تحقق چنین طرحی را فراهم کنیم. من فکر نمی‌کنم هیچ فرد فکور و تحول‌خواهی مخالف این باشد که تمام فکر و ذکر خود را فقط به مدرسه معطوف کند و برای تأمین هزینه‌های زندگی‌اش، به دنبال مشاغل بی‌ربط در ساعات غیر مدرسه نباشد.

به نظر می‌رسد این بخش از طرح تحول راهبردی آموزش و پرورش، در اجرا با چالش‌های فراوانی روبه‌رو شود، چرا که در بسیاری موارد، صرفاً افزایش حقوق هم‌چاره‌ساز نخواهد بود؛ اگرچه یک عامل مهم بیرونی در ایجاد انگیزه به‌شمار می‌رود. در این طرح، آموزش و پرورش و مسئولان ارشد تصمیم‌گیرنده‌ی آن، باید نقش آقای آقا را ایفا کنند و با عمل خیر خود، ایجاد انگیزه کرده، افراد را ترغیب به خدمت‌گزاری کنند و فضایی پدید آورند که در آن، همه با هم، مدرسه را به قلب تپنده‌ی فعالیت‌های اجتماعی، کانون توسعه‌ی محلی و مکانی که زمینه‌های رشد و تعالی همه‌ی افراد بشری در آن رقم می‌خورد، تبدیل کنند.

مهم این نیست که به افراد، چند صد هزار تومانی اضافه حقوق و پاداش پرداخت کنیم، مهم این است که به آن‌ها بقبولانیم ما وظیفه داریم فرزندان و نوه‌های کسانی را که انقلاب اسلامی ایران را در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رساندند، از آموزش‌هایی با کیفیت، مبتنی بر تحول‌خواهی و عدالت‌محور برخوردار سازیم.

زیرنویس

۱. در جست‌وجوی مدارس موفق؛ شاخص‌ها و ویژگی‌ها. مؤسسه‌ی پژوهشی برنامه‌ریزی در نوآوری آموزشی. ۱۳۸۹.

کافی است ذوق و شوق شاگردانت را بر آفریزی و آنان را مشتاق کنی، قلم به دست بگیرند و با مخاطب یا نیشوندهی خود، هرگونه واژه‌ها و عبارتهایی را که می‌توانند، یا میل دارند، و نیز هرچه را که دوست دارند، بنویسند و برای تو بخوانند. تردیدی به خود راه مده که وقتی «تمرین نامه‌نگاری» آن‌ها را گوش می‌دهی، چه نشاطی به تو دست خواهد داد، و چه قدر با دل و اندیشه‌های شاگردانت نزدیک می‌شوی و الفت بیشتری برقرار می‌کنی. خواسته‌هاشان را می‌شناسی، به علاقه‌هاشان فکر می‌کنی، نحوه‌ی ارتباطشان را با خانواده و همگنان درک می‌کنی، و حتی با تصویر دیگری که با شخصیت‌های متفاوت در ذهنشان نگاشته می‌شود، و جا می‌افتد، آشنا می‌شوی.

تو نمی‌توانی در درس انشا هیچ شیوه‌ای را برای این جولانگاه بزرگ برگزینی. فقط می‌توانی به فکرها و اندیشه‌های درونی و ذهنی شاگردانت تلنگر بزنی که نامه‌هاشان را بنویسند؛ برای هر کس که دوست دارند یا می‌خواهند. بدان که خواستن‌ها و دوست داشتن‌های آن‌ها از درون خودشان می‌رویند، نه از سفارش‌ها و خدای ناکرده توصیه‌های ناساز تو.

معلم عزیز!

آزاد گذاشتن فکر و اندیشه‌ی شاگردانت، دل‌چسب‌ترین مهر و محبتی است که می‌توانی به آن‌ها نشان کنی. بگذار هرچه را که در اندیشه و در ذهن دارند، تراوش کند. چه مخاطب واقعی داشته باشند و چه مخاطبان خیالی و ناشناخته. برون‌ریزی‌های شاگردانت، در انشایی که می‌نویسند، پیام‌های شگفت‌انگیزی را به تو می‌رسانند. پیام‌هایی که می‌توانند وظیفه‌ی معلمی‌ات را انسانی‌تر، مهربانانه‌تر، راه‌گشا‌تر و پرورش‌دهنده‌تر کنند. شاید راه‌های نجاتی هم پیدا کنی برای شاگردانی که صفای زنده بودن و خواستن‌ها و توانستن‌ها را گم کرده‌اند، یا از دست داده‌اند. در این گیرودار درنگی به خود راه نده که می‌توانی. به راستی تو همانی که می‌توانی.

از قدیم و ندیم، بزرگ‌سالانی که آنگ بی‌سواد یا کم‌سواد را به خود قبولانده بودند، همواره از نسل جوان‌تر از خود که به مدرسه رفته بودند، گله‌مند می‌شدند که چرا نمی‌توانند حتی یک نامه بنویسند. جمله‌ی معروفی که پیوسته از زبان کهن‌سالان تکرار می‌شد و همواره به گوش می‌رسید، این بود که: «سواد تو به چه درد می‌خورد!»

درست است که در این زمان ابزارهای دیگری مثل تلفن و موبایل و در مجموع دانش انفورماتیک (رایانه) جای نامه‌نگاری‌های گذشته را گرفته‌اند، اما می‌دانیم که هنوز نامه‌نگاری مهارتی است که همچنان پابرجا مانده است. اگر از نامه‌های رسمی و اداری متداول - که راه و رسم و روش‌ها و شگردهای ویژه دارند و باید پیوسته به تمرین درآیند - صرف‌نظر کنیم، شاید هرگز نتوانیم نامه‌هایی را که برای عزیزانمان، پیام‌های دوستی، محبت، عشق و علاقه به همدیگر را با خود حمل می‌کنند، از صحنه‌ی برقراری ارتباط‌ها مان خارج کنیم. نامه‌ها پیام‌های دوستی و محبت را همراه خود می‌برند. پیوندی که ارتباط مستقیم با افراد را پیوسته و پایدار نگاه می‌دارد و سبب می‌شود علاقه به همدیگر را تداوم همیشگی بخشند.

معلم فرهیخته، بدان که بسا شاگردان تو در «نامه‌های تمرینی خود»، در کلاس تو، بتوانند رنگ و بوی بودن و لذت بردن را بهتر و بیشتر احساس کنند و بفهمند که دنیا تخت روان یکپارچه‌ای است که همه چیز آن و همه جای آن به هم پیوسته هستند. نوعی پیوستگی که جداناپذیر است و هیچ‌کس نمی‌تواند فکر کند که «تنه‌است»، یا ارتباطی با پیرامون خود - و فرا پیرامون خود - ندارد. «تمرین‌های نامه‌نگاری» هیچ سرمشق یا قاعده و دستوری ندارند.